



مرحله کنونی جنبش توده ای و چشم انداز رونق و اعتلاء مجدد آن

این واقعیتی ست که در طول چند ماه گذشته از وسعت جنبش های اعتراضی علنی توده ای در ایران کاسته شده و دامنه اعتلاء جنبش، در قیاس با چند سال گذشته، محدودتر گردیده است.

در این فاصله از نمونه تظاهرات و اعتراضات سیاسی وسیع توده ای گذشته که گاه هزاران تن از مردم در آنها حضور داشتند، به وقوع نپیوسته است. شورش های زحمتکشان و تهی دستان شهرها و شهرک های فقیر نشین فروکش کرده است. اعتصابات نیز محدودتر شده اند. آنچه که اکنون وجود دارد، مبارزات کارگران و زحمتکشان حول مطالبات صنفی و رفاهی ست و شکل عمده این مبارزات نیز اعتصابات اقتصادی ست. این محدود شدن دامنه اعتلاء جنبش، معلول مجموعه ای از عوامل نامساعد عینی و ذهنی ست که جنبش انقلابی توده ای با آن روبرو شده است. اما پیش از بررسی این عوامل و چشم انداز جهتی که این جنبش خواهد پیمود، باید این نکته را مد نظر قرارداد که جنبش های توده ای از قانونمندی های معینی تبعیت می کنند. اشکالی که این جنبش ها به خود می گیرند، مرحله ای که از سر می گذرانند و جهتی که می پیمایند، از پویایی درونی خود این جنبش ها ناشی می گردد. این جنبش ها تنها در

در صفحه ۲

در این شماره

مجلس ارتجاع و

۴ قیمت گذاری زنان

۲ اخباری از ایران

۴ اخبار کارگری جهان

خلاصه ای از بیانیه ها

۷ و اطلاعیه های سازمان

پیشرفت "دمکراسی" و انتخابات سر نیزه ای در عراق

نزدیک به ۲۲ ماه از تجاوز نیروهای امپریالیستی به رهبری آمریکا و اشغال نظامی عراق می گذرد. در میان توده های رنج دیده و به ستوه آمده از رژیم بعثی و سرکوبگر صدام حسین، کسی نسبت به ماهیت امپریالیستی دولت آمریکا و متحدین آن تردید و توهمی نداشت. اگر هم معبود کسانی نسبت به آمریکا و دعاوی اش مبنی بر رهائی عراق از شر دیکتاتوری و استقرار آزادی و دمکراسی، دچار تردید و توهم بودند و اهداف و مقاصد توسعه طلبانه و امپریالیستی آمریکا را به عربیانی نمی دیدند، همان یورش ها و حملات هوایی اولیه نیروهای امپریالیستی و بمباران شهرها و مناطق مسکونی و کشتار وحشیانه مردم بی دفاع عراق کافی بود تا هرگونه تردید و توهمی از این اذهان معبود نیز محو و نابود شود. با سقوط رژیم صدام نه تنها آزادی و دمکراسی حاصل نشد، بلکه اشغال گران در ادامه وحشی گری های خود این بار تفنگ ها و سر نیزه ها پیشان رادر سر هرکوچه و خیابان روبروی مردم گرفتند، خانه ها را این بار از فاصله نزدیک تری منفجر کردند و از زمین و هوا، شهرها و اماکن مسکونی مردمی را که در برابر

اشغال گران به مقاومت برخاسته بودند، بمباران و با خاک یکسان ساختند. امپریالیست های متجاوز، بعد از اشغال نظامی، جهت پیشبرد اهداف خود و سازماندهی بی دردسر غارت و چپاول، به "ثبات و آرامش" نیاز داشتند. "دمکراسی"، به هر قیمت باید مستقر و منافع آن تامین شود. لذا، سرکوب و کشتار مردم بی دفاع عراق در تمام طول این مدت چه در زمان شورای حکومتی و چه بعد از آن، یعنی استقرار دولت موقت حتی یک لحظه هم متوقف نشده است. معهذاً نه شورای حکومتی، نه استقرار دولت موقت دست نشانده و نوکر آمریکا و نه افزایش نیروهای نظامی آمریکا در عراق و سرکوب بیشتر مردم، چنین ثبات و امنیتی را تامین ساخت. حتی با تخریب و بمباران وحشیانه ی شهر "فلوجه"، که دست کم دو هزار کشته و هزاران زخمی و آواره برجای گذاشت، "امنیت" و "ثبات" حاصل نشد! کشتار "فلوجه"، گرچه جزئی از "دمکراسی" و با آن ملازم است اما امنیت و آرامش مورد نیاز امپریالیسم را فراهم نساخته است. اکنون اما نوبت "انتخابات" زیر سایه همین

در صفحه ۵

فاجعه طبیعی بود، اما مرگ دهها هزار انسان نه!

مالکیت و روابط خانوادگی نبود. اکنون یک میلیون سال از زمانی که تاریخ بشر در واقع با مهار طبیعت و استفاده از آن برای برآورده کردن نیازهای انسانی آغاز شد، می گذرد. بشر در این دوران طولانی موفقیت های بزرگی در مهار طبیعت کسب کرده است به طوری که پیشرفت های بشری که فقط در سده ی بیستم میلادی صورت گرفتند حتی با ۱۹۰۰ سال پیش از آن هم مقایسه شدنی نیستند.

تاریخ نوع بشر از زمانی آغاز شد که انسان ابزارسازی را آموخت. ابزارهای اولیه شامل سنگ هایی ست که با دست انسان نوک تیز و صیقل داده می شدند تا بتوان با آن ها کار کرد و در واقع طبیعت را به خدمت خود درآورد. البته از این ابزار ابتدائی به عنوان وسیله ی دفاع نیز استفاده می گشت، اما نه علیه انسان های دیگر، بلکه برضد جانورانی که به انسان ها حمله می کردند. در آن زمان هنوز سلسله مراتب و نابرابری وجود نداشت و خبری هم از

در صفحه ۳

اعتصاب کارگران نساجی کردستان
بعد از ۱۶ روز با موفقیت پایان یافت

اخباری از ایران

اعتصاب کارگران "کنف کار"

روز پنجشنبه دهم دی ماه، ۲۵۰ تن از کارگران شرکت "کنف کار" شهرستان رشت، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، دست از کار کشیدند. شرکت "کنف کار" از جمله شرکت هایی است که به تازگی به بخش خصوصی واگذار شده است و کارفرمای آن از آبان ماه دستمزد کارگران را نداده است. کارگران با این اعتصاب، باردیگر خواستار دستمزدهای معوقه و همچنین عیدی و پاداش سال گذشته شدند.

تجمع اعتراضی کیوسک داران

در اعتراض به عملکرد شهرداری شیراز و حمله مأمورین شهرداری به هفت کیوسک مطبوعاتی در خیابان زند، ۱۵۰ تن از کیوسک داران شیراز، در برابر ساختمان شهرداری دست به تجمع زدند. شهرداری در صدد آن است که این کیوسک ها را به مزایده بگذارد و این مسئله مورد اعتراض کیوسک داران است که چندین سال در این کیوسک ها کار کرده اند.

اجتماع اعتراضی اهالی مشهد مرغاب

صبح روز سه شنبه ۱۵ دی، بیش از ۱۵۰ نفر از اهالی بخش مشهد مرغاب استان فارس، نسبت به تصمیم وزارت کشور مبنی بر تفکیک روستاهای این بخش، دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر استانداری فارس، خواستار لغو این تصمیم شدند.

مردم کمال شهر خیابان را بستند

روز یکشنبه سیزدهم دی، مردم کمال شهر کرج، نسبت به عدم رسیدگی به مطالبات خود، دست به تجمع اعتراضی زدند و برای مدت سه ساعت بلوار بهشتی را مسدود ساختند. لازم به ذکر است که مردم کمال شهر از ملزومات زندگی شهری مانند گاز رسانی، تامین سوخت، امکانات ورزشی و فرهنگی، جاده سازی و ترمیم خیابان ها و امثال آن محرومند. در این رابطه نمایندگان کرج در مجلس ارتجاع، به مردم وعده بودند با حضور در جمع آنها، به مشکلات رسیدگی و برای حل آن اقدام کنند که به این وعده عمل نکردند. نیروهای انتظامی پس از چند ساعت توانستند مردم معترض را پراکنده و خیابان را باز کنند.

اجتماع اعتراض کارگران شهرداری یزد

روز پنجشنبه ۱۷ دی، بیش از ۸۰ نفر از کارگران خدمات شهرداری یزد، در اعتراض به فسخ قراردادهای و عدم پرداخت دو ماه حقوق خود، در برابر شهرداری این شهر دست به تجمع زدند. کارگران شهرداری زیر پوشش یک

۷۰ بود که مجدداً به مبارزه ای آشکار، تعرضی و مستقیم علیه رژیم حاکم برخاستند. این مبارزه که نیروی محرکه آن تشدید تضادهای اجتماعی بود، به یک بحران سیاسی و اعتلای انقلابی انجامید. معهداً سطح نازل تشکل و آگاهی طبقه کارگر و توده های زحمتکش باعث شد که طبقه حاکم، ابتکار عمل را برای مهار این جنبش و سد کردن راه اعتلاء بیشتر آن، به دست بگیرد. ماجرای ۲ خرداد و اصلاح طلبی علم شد. بورژوازی ایران و متحدین بین المللی آن وسیعاً به این توهّم در میان توده مردم دامن زدند که می توان در چارچوب نظم موجود و نهادهای قانونی آن، با مبارزه ای قانونی، وضع موجود را متحول ساخت. این توهّم به نهادهای قانونی و مبارزه قانونی، تأثیر منفی خود را بر رشد و اعتلاء جنبش توده ای اعتراضی فراقانونی برجای نهاد. می بایستی چند سالی بگذرد تا اکثریت بزرگ مردم بار دیگر به این حقیقت واقف شوند که مبارزه قانونی و اصلاحات در چارچوب نظم موجود، جز یک سراب و توهّم چیز دیگری نبود.

تازه پس از پی بردن به این حقیقت است که جنبش فراقانونی، با هدف قراردادن کلیت رژیم و نهادهای قانونی آن، به نقطه ای که از آن گسسته بود، باز می گردد و اعتلاء نوینی به خود می گیرد. شعار سرنگونی رژیم، به شعار اصلی تظاهرات توده ای تبدیل می گردد که مهم ترین شهرهای کشور را در طی ۱۰ روز فرا گرفت. جنبش مجدداً در مسیر بالنده خود قرار گرفته بود که جنگ و تحولات سیاسی در منطقه خاور میانه، این بار به شکلی دیگر تأثیر منفی خود را بر اوضاع سیاسی در ایران و روند رشد و اعتلاء جنبش توده ای برجای نهاد. با لشکر کشی نظامی آمریکا به عراق، هیئت حاکمه آمریکا و طرفداران ایرانی آنها به ویژه سلطنت طلبان، این توهّم را در میان توده مردم اشاعه دادند که این آمریکا و قدرت نظامی برتر آن است که نجات بخش مردم ایران از شر فجایع جمهوری اسلامی ست. اشاعه این توهّم لااقل در مقطعی کوتاه پس از حمله نظامی آمریکا به عراق، در میان بخشی از مردم به این معنا بود که به نیروئی "نجات بخش" از خارج امید بندند. این توهّم البته در پی فجایعی که امپریالیسم آمریکا در عراق آفرید و در پی آن تشدید درگیری های نظامی و هرج و مرج در این کشور، به سرعت فروریخت، اما تأثیر منفی خود را بر رشد و اعتلاء مبارزات توده مردم برجای نهاد.

جمهوری اسلامی که در پی برملاشدن ناتوانی و شکست های آمریکا در عراق، از هراس روزهای نخستین جنگ نجات یافته بود، از این پس تلاش نمود تا از تمام این تحولات به نفع خود و غلبه بر بحران سیاسی

مرحله کنونی جنبش توده ای و چشم انداز رونق و اعتلاء مجدد آن

مرحله معینی از رشد تضادهای اجتماعی ست که می توانند به چنان مرحله ای از وسعت و اعتلاء برسند که به تهدیدی جدی علیه نظم موجود تبدیل گردند. روند حرکت آنها نیز در یک مسیر صاف و ساده و هموار صورت نمی گیرد، بلکه همچون هر حرکت دیالکتیکی دیگر روند کمی و کیفی و پیشروی را با عقب نشینی های موقتی توأمان دارا هستند. مثل هر پدیده دیگری با هزاران رشته مرئی و نامرئی بایپدیده های پیرامون خود مرتبط اند. از همین روست که تحت تأثیر شرایط مساعد و یا نامساعد، روند تکاملی آنها تسریع یا کند می گردد. لذا عوامل بازدارنده می توانند روند پیشروی این جنبش ها را برای مدتی متوقف سازند و گاه آنها را به عقب نشینی های طولانی تر وادارند. بر این مبنا، هنگامی که جنبش های خودانگیخته توده ای در هر کشوری در اشکال مبارزاتی عالی و ابعاد سراسری شکل می گیرند و اعتلای انقلابی پدید می آید، این جنبش ها مراحل مختلفی را طی می کنند. همان گونه که شرایط عینی و ذهنی مساعد، روند پیشروی آنها را تسریع می کند و دامنه اعتلاء را تا یک موقعیت انقلابی وحتا وقوع انقلاب می تواند بسط دهد، در شرایط نامساعد عینی و ذهنی، این مراحل رشد و اعتلاء جنبش ها طولانی تر و توأم با عقب نشینی های بیشتری خواهد بود. اگر این شرایط نامساعد جدی تر و بازدارنده تر شوند و خستگی ناشی از مبارزه مستقیم طولانی مدت بر توده ها غلبه کند، حتا می توانند چنان عقب نشینی را به جنبش تحمیل کنند که به یک رکود سیاسی منجر گردد. لذا خطاست اگر چنین پنداشته شود که یک جنبش توده ای انقلابی در یک مسیر صاف و مستقیم، مدام به جلو حرکت می کند، گسستی در این حرکت وجود ندارد، عقب نشینی رخ نمی دهد، اعتلای انقلابی الزاماً به یک موقعیت انقلابی خواهد انجامید و هر موقعیت انقلابی الزاماً با یک انقلاب همراه خواهد بود.

با در نظر گرفتن این واقعیات است که باید مرحله کنونی جنبش توده ای را در ایران مورد ارزیابی قرار داد. علل و عواملی که بر محدود تر شدن دامنه اعتلاء جنبش تأثیر گذارده اند شناخت. حد و حدود تأثیرگذاری آنها را دریافت و چشم انداز آتی آن را ترسیم نمود.

اگر کمی به گذشته بازگردیم، توده های کارگر و زحمتکش مردم ایران از اوائل دهه

اخباری از ایران

شرکت پیمانکار مشغول به کارند و این شرکت علاوه بر عدم پرداخت دو ماه حقوق کارگران، به دلیل اختلافات خود با شهرداری، قرارداد با کارگران را نیز فسخ نموده است. پس از این تجمع اعتراضی کارگران که بیش از سه ساعت به طول انجامید، شهرداری پذیرفت حقوق کارگران تا پایان آذر پرداخت شود. در عین حال از مجموع ۷۰۰ کارگر شهرداری، ۳۰۰ کارگر به کار گمارده شدند و مابقی از اول ماه آینده دعوت به کار می شوند.

نامه اعتراضی

کارگران شرکت پشم بافی "ایران برک" رشت، در یک نامه اعتراضی نسبت به تضييع حقوق و تعویق پرداخت دستمزدهای خود اعتراض نمودند. در این نامه، کارگران، خواستار رسیدگی به مشکلات خود، از جمله پرداخت ۴ ماه حقوق عقب افتاده خود شدند.

دستمزد کارگران را نمی پردازند

- به بهانه تغییر مدیریت و مشکلات مالی، ۴ ماه است دستمزد کارگران شرکت کشت و صنعت مغان را نداده اند.

- بعد از شکایت جمعی از کارگران شرکت "زرسانب" ساوه به اداره کار و امور اجتماعی و سایر دستگاههای مربوطه در مورد عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و مزایای خود و صدور رای مراجع حل اختلاف مبنی بر محق بودن کارگران، باز هم کارفرمای شرکت از پرداخت حقوق و مزایای کارگران سرباز می زند. افزون بر این کارفرما، کارگران را تهدید به اخراج نموده و از کارگران قراردادی به زور خواسته است امضا کنند که دستمزدشان را گرفته اند.

اخراج و بیکارسازی کارگران

- مدیر عامل کارخانه "پریمیت" به بهانه ضرردهی کارخانه، فعالیت یکی از خطوط تولید را متوقف کرده است. با این اقدام مدیر عامل، ۸۰ کارگر کار خود را از دست می دهند.

- در ادامه اخراج و بیکارسازی کارگران در استان کردستان، چهار کارگر کارخانه "شبن بافت" سنجید نیز اخراج شدند همچنین یک خبر دیگر حاکی از آن است که ۷۵ تن از کارگران سد گاویشان کامیاران، توسط کارفرما اخراج و از کار بیکار شده اند.

- به دنبال تصمیم کارفرما مبنی بر تبدیل شرکت موتور سیکلت سازی "جهان رو" به کارخانه مونتاژ خودرو بنز "بن رو"، ۷۵ کارگر این شرکت از اوائل سال ۸۲ موقتاً بیکار شدند. طبق توافق کمیسیون کارگری و فرماندار، قرار بود مدت ۶ ماه حقوق کارگران پرداخت شود و پس از تغییر کاربری کارخانه، ۷۵ کارگر "جهان رو"، در شرکت جدید ابقاء شوند. اما کارفرما پس از پایان مهلت مقرر، از ابقاء کارگران خودداری

فاجعه طبیعی بود، اما مرگ دهها هزار انسان نه!

چند دقیقه پس از زلزله ی زیر دریایی ۶ دی می دانست که سونامی یا موج های عظیمی شکل خواهند گرفت. مسئولان این نهاد دولتی ۱۵ دقیقه بعد به پایگاه نظامی آمریکا واقع در جزیره ی دیه گوگارسیا در جنوب هندوستان اعلام خطر کردند. اگر این نهاد همین اطلاع رسانی را به تلویزیون ها و رادیوهای کشورهای مجاور می کرد، قطعاً می شد مردم را از سواحل دور کرد و آن ها را به ارتفاع حداقل ۲۰ متری از سطح آن ها رساند. بر اساس آخرین آماری که روز ۲۰ دی منتشر شد، در اندونزی ۱۰۴۰۵۵ نفر، در سری لانکا ۳۰۷۱۸ نفر، در هندوستان ۱۰۰۲۲ نفر، در تایلند ۵۲۹۱ نفر، در سومالی ۲۹۸ نفر، در برمه ۹۰ نفر، در مالدیو ۸۲ نفر، در مالزی ۶۸ نفر، در تانزانیا ۱۰ نفر، در بنگلادش ۲ نفر و در کنیا ۱ نفر جان خود را از دست داده اند. شاید با توجه به فاصله ی نزدیک اندونزی با مرکز زلزله ی زیر دریایی نجات جان هزاران نفر میسر نمی شد اما با توجه به فاصله کشورهای دیگر با آن می شد از مرگ ده ها هزار نفر دیگر اجتناب کرد، زیرا بین زلزله ی زیر دریایی، ایجاد سونامی و رسیدن امواج سهمگین به سواحل تا ۴ ساعت فرصت وجود داشت.

چگونه است که یک مرکز آمریکایی به نام مرکز اعلام خطر سونامی اقیانوس آرام واقع در هاوانی (PTWC) ۹ دقیقه پس از زلزله ی زیر دریایی علانم آن را ثبت و ۶ دقیقه بعد نخستین بولتن خود را بدون در نظر گرفتن سونامی منتشر می کند و چگونه است که شبکه ی ملی مشاهدات زمین لرزه ای واقع در شهر استراسبورگ فرانسه ۳۰ دقیقه پس از زلزله ی زیر دریایی نخستین اطلاعیه مرکز ملی اطلاعات زمین لرزه واقع در کلرادو ی آمریکا را دریافت می کند اما همین اعلام خطر ها و بولتن ها به سری لانکا، هندوستان و تایلند نمی رسند که بیش از ۱۲۰ دقیقه پس از زلزله شاهد نخستین خیزاب های عظیمی هستند که ده ها هزار نفر را به کام خود می کشند؟

شاید برخی از توجیه گران و مداحان نظام سرمایه داری ادعا کنند که این وظیفه ی امپریالیسم آمریکا نیست که در اندیشه ی جان ده ها هزار نفری باشد که در کشورهای فقیر آسیای جنوب - شرقی که بدهی خارجی ۵ دولت آن ها از ۳۰۰ میلیارد دلار می گذرد، باشد و امپریالیسم آمریکا هم لازم نیست اطلاعات ماهواره هایش را به جز پایگاه های نظامی اش به جای دیگری بدهد. به این

از زمانی که جوامع به طبقات با منافع متضاد تقسیم بندی شدند و یک طبقه ی مطلقاً در اقلیت بر اکثریت جامعه حکمرانی کرد بشر دیگر علاوه بر فجایع طبیعی همچون آتشفشان، سیل و زلزله با فجایعی مانند قتل عام، کشتار و جنگ نیز دست به گریبان شد. سده ی بیستم میلادی را می توان پر بارترین سده ی تاکنونی تاریخ بشری از لحاظ پیشرفت علمی و تکنولوژیکی نامید، اما در همین سده بود که دو جنگ جهانی رخ دادند و ده ها میلیون تن را به کام مرگ فرستادند. میلیون ها انسان تا روى دادن دو جنگ جهانی در سده ی بیستم، طعمه ی خشم طبیعت در اثر سیل و آتشفشان و زلزله شده بودند، با این حال مرگ ده ها میلیون نفر در کم تر از ده سال جنگ جهانی نشانگر آن است که طبقه ای که آن ها را به راه انداخت در اوج سبعبیت قرار گرفته و چاره ای به جز پایان دادن به استیلايش نمانده است.

بدون شک فاجعه ی زلزله ی زیر دریایی ششم دی ماه گذشته در نزدیکی سوماترای اندونزی که در پی آن موج های عظیم تا بیست متری پدید آمدند یکی از بزرگ ترین فجایع طبیعی ثبت شده در تاریخ بشری ست. اگر مرگ ده درصد مردم بمبئی در پی آتشفشان ۲۴ اوت سال ۷۹ نخستین سده ی میلادی و مرگ هزاران نفر در زلزله ای که در سال ۱۷۷۵ میلادی لیبون، پایتخت پرتغال را تقریباً با خاک یکسان کرد بخش اجتناب ناپذیر این فجایع طبیعی بود، مرگ بیش از ۳۰ هزار نفر در زلزله ی بم در ایران و افزون بر ۱۵۰ هزار نفر در اندونزی، سری لانکا، هندوستان و تایلند و چند کشور دیگر در کم تر از یک سال و آن هم در سده ی بیست و یکم مطلقاً طبیعی نیست و مسئولیت مستقیمش بر عهده ی سرمایه داری جهانی و نمایندگان آن است که بر تمام این کشورها حکومت می کنند.

زمین شناس بلژیکی مارک موانس روز ۱۶ دی به نشریه همبسته گفت: «تصور کنید که یک هواپیمای نظامی چینی وارد منطقه ی زیر نفوذ غرب مانند هندوستان، اندونزی یا سری لانکا بشود، در این صورت آمریکا به مقامات این کشورها و کشورهای مجاور ظرف چند ثانیه اطلاع خواهد داد و زنگ خطر زده خواهد شد. آمریکا با استفاده از ماهواره هایش پیدایش خیزاب های پس از زلزله ی ۶ دی را ساعت ها پیش از وقوع فاجعه انسانی مشاهده کرد، زیرا آن ها می توانند تغییر سطح آب دریا را از ۱۰ سانتیمتر به بالا ضبط کنند.» اداره ی تغییرات جوی و اقیانوسی آمریکا (NOAA)

مجلس ارتجاع و قیمت گذاری زنان

در پی بحث و فحص های هیئت حاکمه در چند ماه گذشته بر سر تعیین سقف مهریه، سرانجام مجلس هفتم، طرح "سامان دهی ازدواج" را تصویب نمود. یکی از بندهای اساسی این طرح، تعیین سقف مهریه دختران در مناطق مختلف کشور است. بر اساس این طرح، زن به عنوان کالائی، متناسب با وضعیت طبقاتی اش قیمت گذاری می شود و مورد معامله قرار می گیرد. با تصویب این طرح، کمیته ای به نام سامان دهی ازدواج تشکیل می شود و نرخ و قیمت دختران در مناطق مختلف را تعیین و اعلام می کند. این اقدام بی شباهت به نرخ گذاری بر کنیزان و بردگان نیست. بردگانی که برای فروش در بازار بردگان مورد معامله قرار می گرفتند. تنها یک تفاوت هست. آن زمان صریحا از آنها به عنوان برده یاد می شد در حالی که در قرن ۲۱، در جمهوری اسلامی تحت عنوان "سامان دهی ازدواج" اتیکت قیمت بر زنان زده می شود.

وجود و تعیین مهریه یکی از سنی است که ظاهرا برای تضمین پشتوانه اقتصادی زن در هنگام طلاق در نظر گرفته می شود. اما در واقع وجود قوانین زن ستیز و حاکمیت قوانین ارتجاعی اسلامی آن چنان شرایط سختی را بر زنان اعمال می کند که در بسیاری موارد، وجود مهریه نیز به تامین اقتصادی زن منجر نمی شود. وجود مهریه چه سقف و میزانش توسط خانواده تعیین شود و چه توسط مجلس و دولت، تنها قیمت گذاری بر زن است. طرح اخیر، این نرخ گذاری را رسمیت بخشیده، آن را طبقاتی تر کرده و ارزش و احترام زن را بیش از پیش زائل نموده است.

وجود مهریه سقف دار یا بی سقف نیست که زن را در صورت طلاق، حمایت می کند بلکه نکته اصلی موقعیت اجتماعی زن و استقلال اقتصادی اوست. اما حتا اگر قرار باشد در چارچوب ضوابط حقوقی حق طلاق در نظر گرفته شود، باید حق طلاق برای زنان به رسمیت شناخته شود. همچنین برخورداری از امکانات اقتصادی و مالی پس از طلاق، زمانی عملا میسر و پیاده شدنی است که حق برخورداری زوجین از دارائی مشترکشان قانونا ملحوظ گردد.

چنین طرح هائی، بی حرمتی به مقام زن و توهین آشکار به آنان است. سیستم قانونی اسلامیزه شده حاکم، جز رواج فرودستی زنان و تحقیر هر چه بیشتر آنان، ارمغانی برای نیمه جامعه نداشته و ندارد.

- روز ۲۸ اکتبر، مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی میان نمایندگان ۶۰۰ کارگر کارخانه تصفیه شکر Florida Crystal در ایالت فلوریدا آغاز شد. موارد اختلاف در این مذاکرات اخراج ۱۸۲ کارگر و خصوصی سازی بخشی از خدمات حمل و نقل و بالاخره افزایش بیمه درمانی بود. این مذاکرات با کارشکنیهای پی در پی کارفرما روبرو شده و سرانجام روز ۲۹ دسامبر نمایندگان کارگران اعلام نمودند که این مذاکرات به بن بست رسیده و دیگر نمیتوان در پشت میز مذاکره به توافق رسید. بلافاصله اعتصاب نامحدود کارگران آغاز شد. هر روز نزدیک به ۶۰۰ کارگر در مقابل درهای کارخانه تجمع نموده و خواستار رسیدگی به خواسته های خود شدند. سرانجام با بخشی از مطالبات کارگران موافقت شده و این اعتصاب پس از ۵ روز خاتمه یافت.

- در ادامه مبارزه علیه اخراج های دسته جمعی، مقابله با اقدامات سرمایه داران برای کاهش حق بازنشستگی و بیمه های درمانی، افزایش دستمزدها متناسب با هزینه های هر دم فزاینده زندگی، روز ۱۴ دسامبر صد ها نفر از کارگران از سراسر آمریکا در شهر واشنگتن گرد هم آمدند و با تجمع در مقابل کاخ سفید صدای اعتراض خود را به گوش نماینده سرمایه داران آمریکارساندند. در این روز تمام خیابانهای اصلی شهر واشنگتن مسدود شد. افزون بر این کارگران خطوط هوایی، صد ها نفر از کارگران حمل و نقل و بنادر نیز در همبستگی با مبارزات هم زنجیران خود در این تظاهرات شرکت کردند. در قطعنامه پایانی تظاهرات واشنگتن از جمله آمده است: "ما با اتکا به نیروی شکست ناپذیر خود مصمم هستیم تا پذیرش خواست های خود به مبارزه علیه صاحبان شرکت های خطوط هوایی ادامه دهیم". در روزهای قبل از این تجمع، یک رشته حرکات اعتراضی در نقاط مختلف آمریکا انجام گرفت. از جمله تحصن هزاران کارگر در فرودگاه بین المللی JFK در شهر نیویورک بود که در اعتراض به اجحافات سرمایه داران و زورگوییهای مدیران بود. متحصنین برغم تهدیدات آشکار مدیران ریز و درشت شرکتهای هوایی به اعتراض خود ادامه داده و اعلام نمودند که تا حضور مدیران اصلی این شرکت ها در میان خود و پاسخ به شکایات آنان، به تجمع اعتراضی ادامه میدهند. سرانجام خواست کارگران تحقق یافت و اعتصابیون توانستند صدای اعتراض خود را به گوش همه برسانند.



اعتصاب عمومی در سیرالئون

دهها هزار کارگر برغم ۴۰ تا ۴۵ ساعت کارهفتگی قادر به تامین حداقل امکانات زندگی نیستند. علاوه بر این افزایش مداوم قیمت مواد سوختی و مالیات ها بخش دیگری از دستمزد ناچیز کارگران را بلعیده و برآستی دیگر چیزی برای سیر کردن شکم گرسنه زنان و کودکان این کارگران نمی ماند. عمق فقر در این کشور زمانی بیشتر آشکار می شود که بدانیم نزدیک به ۷۵٪ کارگران تنها ۲ دلار در ساعت دریافت می کنند. این شرایط حرکات اعتراضی را در میان کارگران دامن زده است. آخرین نمونه مبارزات کارگران در اوایل ماه سپتامبر سال گذشته آغاز شده و در ابتدا نمایندگان کارفرما تلاش داشتند که در پشت میزهای مذاکره نمایندگان کارگران را فریب داده و آنها را وادار به تحمل فقر و گرسنگی نمایند. اما سرانجام کاسه صبر کارگران لبریز شد و روز ۳ ژانویه یک اعتصاب نامحدود آغاز شد. افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کار و زندگی و کاهش قیمت مواد سوختی از خواسته های اصلی کارگران در این اعتصاب است. این اعتصاب تمامی مدارس، بانکها، حمل و نقل شهری، روزنامه ها و ادارات و مراکز دولتی را به تعطیل کامل کشاند. تنها پس از یک روز نمایندگان کارگران به پای میز مذاکره دعوت شده و سرانجام در آخرین ساعات دومین روز این اعتصاب، با خواسته های کارگران موافقت شد و اعتصاب پس از ۲ روز خاتمه یافت.

اعتصابات کارگران در آمریکا

- از روز ۸ دسامبر تمامی کارگران نیروگاه برق JCP & L در ایالت نیوجرسی دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. افزایش هزینه های درمانی و مخالفت کارفرما با پرداخت سهم خود از بیمه بهداشتی کارگران دلیل این اعتصاب بود. با آغاز این حرکت بخش وسیعی از مناطق شمالی این ایالت در تاریکی فرورفت. هر چند پس از دو هفته از آغاز این اعتصاب، دستمزد کارگران حدود ۹٪ افزایش یافت، اما اختلاف بر سر سهم کارفرما از بیمه های درمانی لاینحل مانده و اعتصاب ادامه یافت. سرانجام پس از ۴ هفته کارفرما وادار به عقب نشینی شد و با افزایش دستمزدها و پرداخت بیمه درمانی کارگران موافقت نمود. این اعتصاب روز ۵ ژانویه خاتمه یافت.

پیشرفت "دمکراسی" و انتخابات سرنیزه ای در عراق

اخباری از ایران

"دمکراسی" است تا چنین آرامش و امنیتی را به ارمغان آورد!

پیشرفت دمکراسی آمریکائی، اکنون مستلزم آن است که دست نشانندگان آمریکا در عراق، ظاهری قانونی و "دمکراتیک" به کار خود ببخشند. امپریالیسم و ارتش تجاوزگر آمریکا با راه انداختن "انتخابات" آنها در زیر سر نیزه های خون چکان سربازان و تفنگ داران آمریکائی، در جستجوی اعتبار و مشروعیت در عرصه ی داخلی و بین المللی برای دست نشانندگان خود در عراق است. آمریکا بدین وسیله می خواهد از درجه قباحت اقدامات جنایتکارانه خود در نظر جهانیان بکاهد و بالاخره اهداف و مقاصد توسعه طلبانه و ادامه حضور خود در عراق را این بار به خواست و تقاضای یک دولت و حکومت "منتخب" مردم عراق، پی گیری کند. پس در حالی که شمشیرهای آخته از هر سو به چرخش در آمده و هر روز شمار زیادی از مردم عراق قربانی مقاصد توسعه طلبانه و راهزنانه امپریالیسم آمریکا می شوند، با وقاحت و بی شرمی تمام، همان مردم به شرکت در این بازی نیز فراخوانده می شوند. امپریالیسم آمریکا و دست نشانندگان عراقی آن مصمم اند این "انتخابات" را نیز به هر قیمت! برگزار نمایند. ایاد علاوی و سایر نوکران عراقی آمریکا مکرر تکرار نموده اند که انتخابات در موعد مقرر خود یعنی ۳۰ ژانویه برگزار خواهد شد. علی رغم این که این بازی شرم آور، وسیعاً از سوی توده های مردم عراق تحریم شده است، به رغم آن که کمونیست ها و سایر نیروهای انقلابی عراقی و دهها جریان و گروه سیاسی این مضحکه را تحریم کرده اند و به رغم آن که جنبش مقاومت مردمی و گروه های متعددی که علیه اشغال گران مبارزه می کنند با تداوم مبارزه و مقاومت خود این انتخابات را تحریم کرده اند و بالاخره به رغم آن که بسیاری از سنی مذهبان رسماً این انتخابات قلابی و سر نیزه ای را تحریم کرده اند، اما آمریکا و دست نشانندگانش با همیاری برخی از طرفدار جمهوری اسلامی درصدد برگزاری این انتخابات اند. سران جمهوری اسلامی رسماً و منجمله در دیدارهای خود با سران گروه های شیعی وابسته به خود از جمله در دیدار با عبدالحمید دبیر کل "حزب اسلامی عراق"، از این انتخابات و برگزاری آن حمایت کرده اند.

خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در گفتگو با محسن عبدالحمید، دبیر کل حزب اسلامی عراق که به دیدار سران رژیم جمهوری اسلامی رفته بود، انتخابات را نشانی از واگذاری امور به ملت عراق و

در خدمت "ثبات" و "امنیت" آن دانست و گفت که تاخیر در این زمینه موجب تشدید "نا امنی ها" می شود. آصفی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز در گفتگو با خبرنگاران در حالی که از ارتباط تنگاتنگ جمهوری اسلامی با گروه های اسلامی عراقی منجمله "حزب اسلامی عراق" سخن می گوید، در مورد دخالت جمهوری اسلامی در عراق چنین اظهار نظر می کند، کسانی بحث دخالت جمهوری اسلامی در عراق را دامن می زنند که "از انتخابات و دمکراسی در عراق نگران هستند!" ایاد علاوی نخست وزیر حکومت دست نشانده عراق نیز "انتخابات" را "پلی به سوی امنیت و ثبات در عراق" می داند.

بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا و نوکران و دست نشاندهانش در عراق، گروه های مرتجع اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی و بالاخره رژیم فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی همگی البته هریک از زاویه منافع خویش که در عین حال چندان هم جدا از منفعت دیگری نیست، "انتخابات" و "دمکراسی" و تامین "امنیت و آرامش" اند! امپریالیسم آمریکا و همدستان وی بر این خیالند تا با پیشرفت "دمکراسی" و برگزاری "انتخابات"، "آرامش و امنیت" مورد نیاز خود برای سازماندهی یک غارت و چپاول بی دغدغه را فراهم سازند!

اما امپریالیسم آمریکا، مزدوران و نوکران رنگارنگ آن کور خوانده اند. مردم عراق این مضحکه ی دست پخت اشغالگران و همدستان مرتجع آنها را بی تردید تحریم خواهند کرد. و اصولاً با مقاومت و مبارزه خود علیه اشغالگران، پیشاپیش تکلیف خود را با این گونه خیمه شب بازی ها و گرداندگان رسوای آن روشن ساخته اند. انتخابات شاید می توانست یکی از راه کارهای مورد نظر مردم ستمکشیده عراق باشد مشروط بر آن که و یا زمانی که اشغال گران خاک عراق را ترک کرده بودند، مردم از آزادی های سیاسی برخوردار می بودند، احزاب و سازمان های سیاسی از جمله نیروهای کمونیست و انقلابی می توانستند از ادانه فعالیت و تبلیغ کنند، توده های زحمتکش را با اهداف و برنامه های خود آشنا نمایند و به طور واقعی این امکان به مردم زحمتکش داده می شد تا علاقه و گرایش خود را به احزاب سیاسی نشان دهند و با چشم های باز از میان خود، کسانی را برای اداره امور کشور انتخاب کنند.

اکنون اما اشغال گران متجاوز و همدستان مرتجع آنان از یک طرف به طور وحشیانه مردم عراق را سرکوب و هر روزه کشتار می کنند تا دمکراسی آمریکائی را تحکیم

نمود. هم اکنون بیش از یک سال است حقوق این کارگران پرداخت نشده است. کارگران نسبت به این زورگویی شدیداً اعتراض دارند و برای حفظ اشتغال و احقاق حقوق خود، به اداره کار، فرماندای و برخی دیگر از مراکز دولتی ساوه نیز شکایت کرده اند.

- شرکت "لاستیک پارس" در ساوه، صد کارگر را تحت عنوان "نیروی مازاد" به ازاء پرداخت ۱۰۰ روز سنوات خدمت، از کار اخراج نمود. این موضوع اعتراض کارگران را در پی داشته است.

- کارفرمای کارخانه ماشین سازی لرستان، ۱۲۷ کارگر از مجموع ۱۸۷ کارگر این کارخانه را نیروی مازاد اعلام نموده و در صدد آن است که با استفاده از ماده ۹ قانون نوسازی و بازسازی صنایع، این کارگران را اخراج سازد.

چندخبر کوتاه

- هجدهمین کنگره جهانی ICFTU، با حضور نمایندگان بسیاری از اتحادیه ها و فدراسیون های کارگری جهان برگزار گردید. تلاش رژیم و خانه کارگر برای اعزام نماینده به این اجلاس، بی نتیجه ماند. ICFTU، ۲۳۴ اتحادیه کارگری و ۱۵۳ کشور و نزدیک به ۱۵۰ میلیون کارگر را تحت پوشش دارد.

- روز سه شنبه هشتم دی ماه، نشست هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران در تهران برگزار گردید. در این نشست، محمود لنگرودی دبیر کل کانون معلمان ایران که قبلاً توسط رژیم تحت پیگرد و آزار قرار گرفته و مدتی را نیز در بازداشت به سر برده بود، به دلیل "مشکلات شخصی" استعفا داد.

بخشند و منافع آن را تامین کنند و در همان حال از همین مردم می خواهند با رای خود این "دمکراسی" و سرکوب کنندگان خون ریز خود را تأیید کنند.

مردم عراق اما بر سینه تمام اشغالگران و زور گویان و مرتجعین دست رد می زنند. راه نجات مردم عراق نه در انتخابات قلابی و سرنیزه ای بلکه از مسیر کاملاً متفاوتی می گذرد که نخستین گام آن بیرون راندن تمام نیروهای اشغالگر و هموار شدن مسیری است که توده کارگران و زحمتکشان پای به صحنه سیاسی جامعه بگذارند و با ایجاد تشکل های توده ای و شوراهای کارگری قدرت سیاسی و اداره امور کشور را نیز خود به دست بگیرند و نظم و امنیت خود را نیز مستقر سازند. در هر حال اما این نکته روشن است که عراق تحت اشغال و اشغالگران، با یا بدون "انتخابات" و با هر درجه از پیشرفت "دمکراسی" روی امنیت و آرامش را نخواهند دید.

مرحله کنونی جنبش توده ای و چشم انداز رونق و اعتلاء مجدد آن

موجود و مهار جنبش توده ای استفاده کند. سرکوب و اختناق تشدید شد. میلیتاریزه کردن کشور به بهانه خطر بروز جنگ در دستور کار قرار گرفت. یک دست تر کردن هیئت حاکمه به منظور تخفیف تضادهای درونی و حل بحران حکومتی به مرحله اجراء آمد. تمام این اقدامات هدفی جز مقابله با جنبش انقلابی توده ای نداشت. اقدامات دیگری نیز هم اکنون در دستور کار رژیم قرار گرفته اند. جمهوری اسلامی در همان حال که سرکوب و اختناق را تشدید کرده است، تاکتیک های دیگری را نیز به خدمت گرفته است. از جمله می گوشت باتکیه بر امکاناتی که افزایش جهش وار بهای نفت در اختیار آن قرار داده است، توده زحمتکش مردم رابه بهبود شرایط مادی و معیشتی شان امیدوار سازد. حمایت مجلس ارتجاع اسلامی از تحقق بخشی از مطالبات معلمان، تصمیمات اخیر آن در مخالفت با افزایش بهای برخی کالاها و خدمات دولتی که همراه با تبلیغات گسترده است، در خدمت پیشبرد این سیاست اند.

در عرصه بین المللی نیز در تلاش است با استفاده از تضادهای درونی امپریالیست ها و دادن امتیازات اقتصادی و سیاسی به قدرت های اروپائی، وضعیت خود را بهبود بخشد. اما، تنها جناح مسلط هیئت حاکمه نیست که ابزارها و روش های متعددی را برای مهار و سرکوب جنبش توده ای به خدمت گرفته است. تمام فراکسیون ها و سازمانها و گروههای بورژوائی هر یک به نحوی، در خدمت پیشبرد این سیاست قرار گرفته اند.

اکثریت گروههای موسوم به اصلاح طلبان سابق، در همان حال که تبعیت کامل از جناح رقیب را پذیرفته اند و اکنون در پیشبرد سیاست ها و تاکتیک های آن، فعاند، محور کار تبلیغاتی و سیاسی خود را نومید کردن مردم از هرگونه تلاش انقلابی و فراقانونی قرار داده اند. آنها در ارگانهای تبلیغاتی خود به مردم می گویند عجالتا همه چیز پایان یافته است. راهی جز صبر و تحمل و تلاشی طولانی مدت برای بهبود اوضاع در چارچوب حکومت اسلامی وجود ندارد. اقلیت محدودی از اینان به همراه تقریبا تمامی جریانات بورژوائی اپوزیسیون نیز به طریقی دیگر همان سیاست را پیش می برند و توده مردم را از هر گونه اقدام انقلابی برای سرنگونی رژیم برحذر می دارند. اینان به مردم اندرز می دهند که باید تنها به شیوه ای آرام و بدون خشونت یعنی بدون

انقلاب، بدون قیام و بدون سرنگونی قهری رژیم، آن را واداشت که از طریق سازماندهی یک همه پرسی، به خواست مردم گردن نهد.

اینهاست مجموعه ای از عوامل عینی و ذهنی که در مرحله کنونی به عنوان عوامل بازدارنده در برابر رشد و اعتلاء جنبش توده ای عمل کرده و می کنند و بر محدود شدن دامنه این اعتلاء تاثیر گذارده اند. اما این تنها یک جنبه مسئله است. همان گونه که پیش از این اشاره شد، جنبش های توده ای قانونمندی های ویژه خود را دارند و روند پیشروی آنها همراه با یک رشته عقب نشینی های ولو موقتی صورت می گیرد.

جنبش توده ای در ایران، پس از گذشت چندین سال از اعتلای مجدد آن، نیاز به تنفسی دارد که تجربیات یک دهه گذشته را جذب و هضم کند، تجدید قوا نماید و به تعرضی وسیع تر دست بزند. این مرحله ای است که جنبش اکنون از سر می گذراند.

در اینجا این مسئله مطرح است که با توجه به مجموع واقعتی هائی که مورد بحث قرار گرفت، تا چه حد چشم انداز رونق مجدد جنبش و وسعت گرفتن دامنه آن در کوتاه مدت وجود دارد؟

فاکتورهای عینی جامعه ایران مجموعا به نفع رونق و اعتلاء نوین جنبش توده ای عمل می کنند. تضادهائی که جامعه ایران درگیر آن است و وحدت آنها سرمنشاء خیزش مجدد توده مردم و مبارزات آنها در طول بیش از یک دهه گذشته بوده است، نه تنها تخفیف نیافته، بلکه بالعکس تشدید شده اند. هیچیک از مطالباتی که توده مردم برای تحقق آنها به نبرد با رژیم حاکم برخاسته اند، تحقق نیافته است. روبنای سیاسی موجود همچنان به عنوان مانعی که مدام تضادهای اجتماعی را تشدید می کند، عمل می نماید. از این روست که تاکتیک های کنونی طبقه حاکمه و فراکسیون های متعدد آن، نمی توانند در دراز مدت نقش بازدارنده خود را ایفا کنند.

تجربه به ویژه یک دهه گذشته به وضوح نشان داده است که تاکتیک تشدید سرکوب و اختناق، دیگر نمی تواند مردم را مرعوب و از مبارزه برای تحقق مطالباتشان بازدارد. این را طبقه حاکم نیز فهمیده است. از همین روست که امروز وعده بهبود شرایط مادی توده مردم را می دهد. اما طبقه حاکم در ایران، فاقد امکاناتی است که بتواند حتی یک بهبود کوتاه مدت در شرایط مادی توده های زحمتکش پدید آورد و از این طریق جنبش را مهار کند. درآمد رژیم از نفت هم حتا اگر در

سطح کنونی حفظ شود، به هیچ وجه تکافوی پیشبرد این سیاست را نمی دهد. بنابراین تلاش رژیم برای تلفیق تاکتیک تشدید سرکوب و اختناق با بهبود وضعیت مادی و رفاهی زحمتکشان با شکست روبروست. توده های مردمی که زیر فشار اختناق و سرکوب و در همان حال، وخامت شرایط مادی و معیشتی قرار دارند، به مبارزه ای وسیع تر و رادیکال تر علیه نظم موجود برخوانند خاست و هر تلاش بازدارنده روبنای سیاسی موجود آن ها را در مبارزه برای درهم کوبیدن انقلابی و قهری نظم موجود راسخ تر خواهد ساخت. از همین جاست که تاکتیک جریانات بورژوائی اپوزیسیون نیز برای دور کردن توده زحمتکش مردم از روی آوری به انقلاب کارآئی خود را از دست خواهد داد و با شکست روبرو خواهد شد.

با توجه به این واقعیات است که باید محدود تر شدن دامنه اعتلاء جنبش رادر طی چند ماه اخیر یک افت موقت ارزیابی نمود که در پی آن جنبشی گسترده تر، اعتلاء یافته تر و رادیکال تر سربرخواهد آورد.

این چشم انداز از واقعتی های عینی جامعه ایران برمی خیزد. معهذا این واقعتی نیز هنوز به جای خود باقی است که جنبش انقلابی توده های کارگر و زحمتکش ایران از ضعف تشکل و آگاهی رنج می برد و دشمنان طبقاتی کارگران، همواره، حتا در پیشرفته ترین مراحل اعتلاء جنبش، تلاش خواهند کرد، از این نقطه ضعف در خدمت اهداف ضد انقلابی و ارتجاعی خود استفاده کنند. جریانات کمونیست، رادیکال و انقلابی باید برای غلبه بر این ضعف جنبش تلاش کنند.

کمک مالی

هامبورگ

مازیار ۶۰ یورو

کانادا

به یاد رفیق

فریدون مهرجویی ۱۰۰ دلار کانادا

فاجعه طبیعی بود، اما مرگ ده‌ها هزار انسان نه!

مداحان که نوع ایرانی‌اشان می‌توانند اسلامی باشند و با دیکتاتوری عریان حکومت کنند یا سلطنت طلب و جمهوریخواه ملی یا دمکرات و لائیک باشند و در اپوزیسیون باشند، می‌توان چنین پاسخ داد که بله حق با شماست! درست است که بر تمام کشورهای آسیب‌دیده یک مشت دولت فاسد سرمایه‌داری حکومت می‌کنند که با اسلام پناهند مانند اندونزی یا بودایی مانند تایلند، اما علیرغم تمام این‌ها، آیا این دولت‌ها نمی‌توانستند مانند الگوی بزرگشان، امپریالیسم آمریکا، شناورهای زلزله سنجی را در اقیانوس هند نصب کنند که نه مانند ماهواره‌ها میلیاردها دلار که فقط ۲۵۰ هزار دلار ارزش دارند؟ ایالات متحده آمریکا بیش از ۵۰ سال پیش لاق ۱۰ شناور زلزله سنج را در اقیانوس آرام نصب کرده است که ۶ عدد آن‌ها تغییر فشار آب را خودکار به مراکز اعلام خطر در آلاسکا و هاوایی مخابره می‌کنند. به عبارت دیگر اگر اندونزی، سری لانکا، هندوستان و تایلند تنها یک میلیون دلار هزینه‌ی شناورهای زلزله سنج کرده بودند، اکنون ده‌ها هزار انسان زنده بودند.

سونامی ۶ دی ماه امواج بزرگی از همبستگی بین‌المللی را نیز به وجود آورد اما از این نظر هم تفاوتی اساسی بین آن‌چه کرده‌های مردم انجام دادند و آن‌چه دولت‌ها کردند، مشاهده شد، مثلاً در انگلستان مجموع کمک‌های مالی مردم به سرعت از مبلغی که دولت اعلام کرد، گذشت. بد نیست به کمک‌های دولت آمریکا اشاره مفصل‌تری بشود. جرج بوش در ابتداء اعلام کرد که ۱۵ میلیون دلار به قربانیان سونامی کمک می‌شود. این مبلغ چنان مسخره بود که حتی فغان روزنامه‌ی نیویورک تا بیز را در آورد که نوشت: «پانزده میلیون دلار دقیقاً نصف مبلغی است که قرار است حزب جمهوریخواه آمریکا در جشن‌های ۳۰ ژانویه برای آغاز دور دوم ریاست جمهوری بوش بپردازد.» پس از این‌ها بود که این مبلغ به ۳۵۰ میلیون دلار افزایش یافت، یعنی هزینه‌ی دو روز جنگ و ادامه‌ی اشغال عراق! به جز اختصاص دو روز هزینه‌ی جنگ در عراق به یک دوجین کشور آسیب‌دیده از سونامی، امپریالیسم آمریکا تصمیم گرفت ۶ هواپیمای سی - ۱۳۰ خود را از امارات متحده عربی به تایلند بفرستد و یک ناو هواپیمابر به نام آبراهام لینکلن و یک ناو حامل ۳۶ هلیکوپتر را نیز در اختیار امدادسانی به اندونزی و سری لانکا بگذارد. رئیس سابق شورای امنیت دولت بیل کلینتون در این زمینه گفت: «یک تراژدی در آسیا رخ داد که ما باید از آن به عنوان یک فرصت استفاده

خلاصه‌ای از بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های سازمان

- در تاریخ ۹ دی ماه اطلاعیه‌ای تحت عنوان «اعتصاب کارگران رینگ سازی مشهد، ادامه اعتصاب و اعتراض کارگران نساجی و ایران خودرو» منتشر شد که در آن خبر اعتصاب ۸۵۰ کارگر رینگ سازی مشهد اعلام شده است. این اعتصاب دومین حرکت اعتراضی کارگران ظرف ۱۰ روز بود که به منظور رسیدن به مطالباتشان برپا کرده بودند. خواست‌های کارگران اعتصابی، رسمی شدن کارگران قراردادی، استخدام فرزندان کارگران بازنشسته و رسیدگی و مساعدت به آنان بوده است. در این اطلاعیه همچنین به ادامه اعتصاب کارگران پیمانکار شرکت ایران خودرو، اخراج شش تن از کارگران نساجی کردستان و ادامه اعتصاب در این کارخانه نیز اشاره شده است. سازمان‌مادر این اطلاعیه، ضمن حمایت از اعتصابات و مطالبات کارگران، اقدامات ضد کارگری کارفرما را محکوم نموده است و خواهان بازگشت به کار کارگران اخراجی و تحقق فوری مطالبات کارگران شده است.

- «تجمع اعتراضی پرستاران در شیراز» عنوان اطلاعیه دیگر سازمان است که در ۱۵ دی ماه منتشر شد. در این اطلاعیه به تجمع اعتراضی ۵۰۰ نفر از پرستاران بیمارستان‌های دولتی و خصوصی شیراز اشاره شده است که در اعتراض به ساعات کار طولانی و سطح ناچیز دستمزدها، دست از کار کشیده‌اند. در این اطلاعیه آمده است: «پرستاران سراسر کشور طی اعتراضات مکرر خود، خواستار افزایش حقوق و مزایا، کاهش ساعات کار، پرداخت حق کارانه، استخدام پرستاران جدید و کاهش فشار کار و اجرای طرح ارتقاء شغلی شده‌اند. اما هیچیک از این مطالبات، تاکنون متحقق نشده است و وعده‌های مسئولین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت بهداشت در این زمینه تماماً توخالی از کار در آمده است.» در این اطلاعیه نیز از اعتراضات و مطالبات پرستاران حمایت شده و تأکید شده است که به وعده‌های توخالی مسئولین اعتمادی نیست و تنها با ادامه اعتراض و مبارزه است که پرستاران می‌توانند خواست‌ها و مطالبات خود را بر رژیم تحمیل کنند.

- «اجتماعی اعتراضی پرستاران در تهران» عنوان اطلاعیه‌ای است که در ۲۰ دی ماه در همین رابطه انتشار یافته است. در این اطلاعیه به تجمع اعتراضی پرستاران که در برابر مجلس جمهوری اسلامی برگزار شد اشاره شده است. و گفته شده است که، پرستاران با حمل پلاکاردهای نسبت به بی‌توجهی دولت به امور درمانی و سلامت مردم و همچنین علیه خصوصی‌سازی و بی‌پاسخ گذاشتن مطالبات پرستاران دست به اعتراض زدند. در این اطلاعیه همچنین آمده است: «یکی از مطالبات اصلی پرستاران، جبران کمبود نیرو از طریق استخدام پرستاران جدید است به نحوی که فشار کار پرستاران فعلاً موجود کاهش پیدا کند. با توجه به میزان جمعیت کشور و بر پایه حداقل استانداردها، لاق ۲۲۰ هزار پرستار مشغول خدمت باشند که در حال حاضر تنها ۷۰ هزار پرستار در بخش‌های دولتی و خصوصی مشغول به کارند. به عبارت دیگر وظیفه ۲۲۰ هزار پرستار بردوش تنها ۷۰ هزار نفر قرار گرفته است. پرستاران در اجتماع اعتراضی امروز خود بار دیگر خواستار پایتائین وضعیت شدند.

مرگ ۳۰ هزار نفر اعلام شده است و گفته می‌شود که ۲۰ هزار نفر دیگر نیز در منطقه‌ی تأمیل کشته شده‌اند. نهادهای بهداشتی بین‌المللی اعلام کرده‌اند که اگر فوراً اقدامات لازم صورت نگیرند دست کم ۱۵۰ هزار نفر دیگر قربانی بیماری‌های عمدتاً ناشی از آلودگی آب و بی‌خانمانی می‌شوند. میشل کاسر، جغرافی‌دان و رئیس مدرسه ملی علوم جغرافیایی فرانسه به یک رسانه‌ی اینترنتی گفته است: «اگر شبکه‌های اطلاع‌رسانی به کار می‌افتادند به نظر من ۹۵٪ قربانیان حتماً زخمی هم نمی‌شدند.» اما افسوس که چنین نشد و صدافسوس که ده‌ها هزار انسان قربانی فاجعه‌ای طبیعی شدند که مسئولیتش دیگر طبیعی نیست و بر گردن طبقه‌ای پوسیده به نام طبقه‌ی سرمایه‌داری است.

کنیم ... امداد رسانی سریع و سخاوتمندانه‌ی ایالات متحده می‌تواند به بهبود رابطه با کشورهای آسیایی کمک کند تا بتوان از آن برای مبارزه علیه تروریسم استفاده کرد!» فاجعه‌ی زلزله‌ی زیردریایی و سونامی ۶ دی فاجعه‌ای طبیعی و عظیم بود چنانکه به گفته‌ی دانشمندان، کره زمین چند متر از محیط خود را از دست داد به طوری که اندکی به سرعت گردش آن افزوده شد و بر اساس محاسبات ریچارد گروس از ناسا گردش کره‌ی زمین به دور خود سه هزارم ثانیه کوتاه‌تر شد و محور گردش ۵/۲ سانتیمتر تغییر کرد. سواحل که شاهد سونامی ۶ دی بودند چنان تغییر یافتند که باید نقشه‌هایشان بازبینی شوند. آمار و ارقامی که تاکنون از قربانیان منتشر شده‌اند به اندازه کافی ابعاد فاجعه را نشان می‌دهند، هر چند که صحت و سقم آن‌ها بررسی‌شده‌ی نیستند. در سری لانکا



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepetry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فدائیان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):
۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No. 445 january 2005

اعتصاب کارگران نساجی کردستان بعد از ۱۶ روز با موفقیت پایان یافت

کارگران اعتصابی پرداختند. موضوع حمایت از اعتصاب کارگران نساجی کردستان، به خارج کشور نیز تعمیم یافت و بسیاری از نهادها، سازمان ها، احزاب و اتحادیه های کارگری از اعتصاب کارگران نساجی کردستان و مطالبات آنها حمایت کردند.

کارگران باهوشیاری، ایستادگی و اتحاد و همبستگی درخور تحسینی توانستند تمام دسیسه های کارفرما و حامیان وی در ایجاد نفاق و دو دستگی میان کارگران را خنثا سازند و به شکست بکشانند. کارفرما و حامیان وی، در برابر اتحاد و همبستگی کارگری سرانجام عقب نشستند و پس از ۱۶ روز اعتصاب، مجبور شدند پاره ای از خواست های کارگران را بپذیرند.

کارفرما و نهادهای دولتی حامی آن، پذیرفتند: طرح طبقه بندی مشاغل را اجرا کنند. این طرح مشمول کارگران موقت هم می شود. قراردادهای سه ماهه به شش ماه تغییر کنند. کارفرما در جهت استخدام رسمی کارگران موقت اقدام کند. هزینه یک وعده غذای روزانه از ۱۵۰۰ تومان در ماه به ۳۰۰۰ تومان افزایش پیدا کند و کارفرما روزانه یک لیوان شیر همراه با یکیک برای کارگران همه ی شیفت ها تهیه کند. اگر کارفرما قصد اخراج کارگری را داشته باشد باید آن را به تصویب کمیته ای به نام "کمیته کار" که نماینده کارگران هم در آن حضور دارد برساند. کارفرما موظف گردید دستمزد ۱۶ روز اعتصاب کارگران را نیز بپردازد. همچنین کارفرما و نهادهای دولتی حامی آن، موظف شدند توافقات حاصله را ظرف یک ماه به اجرا در آورند.

گرچه کارگران نساجی کردستان به همه خواست های خود دست نیافتند اما عقب راندن کارفرما و دولت تا همین جا هم برای کارگران یک پیروزی محسوب می شود و جای تبریک دارد. با این همه، نباید فراموش کرد که کارفرما هیچگاه از توطئه، فریب کاری و اجرای نقشه های ضد کارگری خود دست بر نخواهد داشت. کارگران بیش از پیش باید هوشیار باشند و با حفظ اتحاد و همبستگی، از تجارب اعتصاب اخیر خود نیز بیاموزند و در مبارزه و رویارویی با کارفرما و دولت، بیش از پیش خود را تجهیز نمایند!

بیش از ۴۰۰ تن از کارگران نساجی کردستان، در اعتراض به اخراج شش نفر از کارگران قراردادی این کارخانه، از روز دوم دی ماه دست به اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی، در کنار خواست توقف اخراج کارگران، بازگشت به کار کارگران اخراجی و لغو قراردادهای موقت، خواست های دیگری را نیز مطرح کردند، از جمله بهبود وضعیت بهداشتی محیط کار، ایجاد سلف سرویس و سالن غذاخوری و یک وعده غذای گرم، لغو قوانین ضدکارگری کمیته انضباطی، اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل و احترام گذاشتن به شخصیت کارگران در محیط کار.

در ظرف کمتر از دوماه، این سومین بار بود که کارگران نساجی کردستان دست به اعتصاب می زدند. کارگران نساجی کردستان با استفاده از تجارب اعتصابات پیشین خود، از همان ابتدا اقدام به ایجاد دو کمیته نمودند. یک کمیته برای سازماندهی و پیشبرد اعتصاب و کمیته دیگری برای جلب حمایت از اعتصاب.

در قبال اعتصاب و خواست های کارگران، کارفرما نه فقط شدیداً با آن مخالفت کرد و صریحاً جواب داد که به هیچیک از این مطالبات عمل نخواهد کرد، بلکه همه کارگران و نمایندگان آنها را تهدید به اخراج نمود. اما کارگران در قبال این تهدیدات ایستادگی نموده و با حفظ اتحاد و همبستگی خود، به اعتصاب ادامه دادند. نمایندگان کارگران که مورد حمایت کارگران هر سه شیفت بودند، در مذاکرات خود با کارفرما و نمایندگان اداره کار که مامورین اطلاعات را نیز به قصد ارباب و به تسلیم کشاندن کارگران همراه خود آورده بودند، هیچگاه جانب کارگران را رها نکردند و در پرتو اتحاد کارگران توانستند انواع فشارها، فریب کاری ها و تهدیدات مستقیم و غیر مستقیم نهادهای سرکوب را نیز پشت سر بگذارند. کمیته حمایت از اعتصاب نیز توانست حمایت کارگران سایر کارخانه های سنندج از جمله کارگران کارخانه شاهو، شین بافت و پریس و همچنین حمایت سایر اقشار زحمتکش مردم سنندج و دانشجویان و روشنفکران انقلابی را از کارگران اعتصابی جلب کند. در برخی دیگر از شهرهای کردستان و استانهای دیگر نیز کارگران به اعلام حمایت و پشتیبانی از

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی